

تحقیق قوم نگاری^۱ در رویکردهای کمی و کیفی تحقیق

چکیده:

قوم نگاری یکی از روشهای علمی تحقیق در علوم انسانی با درگیری فعال محقق در میدان تحقیق دنبال مشارکت در توسعه معرفت علمی از گروهها یا فرهنگها است. مشاهده مورد مطالعه در شرایط طبیعی و نهایتاً تحلیل و ارزیابی یافته‌ها در زمینه و بستر مورد مطالعه باعث دیدی جامع‌نگر در تحقیق قوم نگاری با اعتبار^۲ نسبتاً بالایی گردیده است.

قوم نگاری براساس بنیان نظری برفرنگ و با دیدی کل گرایانه به مطالعات عمیق برای توصیفی دقیق و فشرده از مورد مطالعه می‌پردازد. این مقاله ضمن توضیح بنیان نظری قوم نگاری درباره بستر روش شناختی آن بحث می‌کند. براساس پیش فرض‌های روش شناختی، این تحقیق در یک فرآیند

مشخص با طرح مسأله شروع و نهایتاً به نتیجه‌گیری ختم می‌شود که چگونگی حرکت در این فرایند نیز از اهداف این مقاله است در نهایت سعی خواهد شد نقاط قوت و ضعف قوم‌نگاری برای استفاده در تحقیقات علوم انسانی مورد بحث و بررسی قرار گیرد.

مقدمه:

مطالعه توصیفی دقیق از مردم، بخصوص در زمینه‌های فرهنگی مربوط به قومیتها، جوامع سنتی، گروههای خرد و گروههای دچار انحرافات اجتماعی، از اهداف اساسی نوعی تحقیق در علوم انسانی به شمار می‌آید که امروزه تحت عنوان «تحقیق قوم‌نگاری» شهرت یافته است. بر این اساس، قوم‌نگاری به معنای تحت اللفظی توصیفی از مردم و فرهنگهاست.

قوم‌نگاری اساساً در زمینه‌های مطالعات انسان‌شناسی، سابقه‌ای طولانی دارد که بعضاً تحت عناوینی مانند تحقیق میدانی^۳ و تحقیق کیفی^۴ نیز ارائه می‌شود. تحقیق قوم‌نگاری اگر چه در گذشته بصورت انحصاری در خدمت انسان‌شناسی قرار داشته و در مواردی خاص به حوزه‌های دیگر علوم انسانی وارد شده است، در طول ۲۰ سال اخیر، بخصوص در دهه ۱۹۸۰ این گونه تحقیقات در زمینه‌های دیگر نیز به صورت منظم مورد استفاده قرار گرفته است، بطور مثال، تعدادی از تحقیقات مارکسیستی و فنیستی به همین اندازه در موارد دیگر مانند آموزش و پرورش نیز این گونه تحقیقات فعال می‌باشند. در مجموع زمانی که هدف تحقیق کشف شرایط اجتماعی، نگرشها، نقشها و روابط بین فردی در ارتباط با ساختار کلی فرهنگ باشند، قوم‌نگاری یک شیوه فعال تحقیق پیشنهاد می‌گردد.

قوم نگاری که در یک فرایند منظم تحقیقاتی انجام می‌شود، هم به خود فرآیند و هم به حاصل آن اصالت می‌بخشد. در فرآیند تحقیق قوم نگاری، به خاستگاه و تحول فرهنگی انسانها توجهی جدی می‌شود، بر این اساس به مطالعه عمیق دربارهٔ رسوم اجتماعی، باورداشتها و تحول فرهنگی در بین افراد یا گروه مورد نظر پرداخته می‌شود. اگر چه در فرآیند تحقیق قوم نگاری، از شیوه های تحقیق مختلفی استفاده شود ولی به هر حال این نوع تحقیق یک فرآیند پژوهشی است که از طریق تجربه‌های تحقیق هدایت می‌شود.

قوم نگاری با انتخاب موضوعاتی در زمینهٔ مطالعهٔ فرهنگها و گروهها به کسب معرفت از سبک زندگی، درک و عقاید مورد مطالعه، تمایل دارد. بر این اساس، بر فهم دیدگاههای کسانی که مورد مطالعه قرار می‌گیرند تأکید می‌کند. چنانکه به این مهم دست یابد، خواهد توانست سیستم معانی^۵ حاکم بر فرهنگ گروه مورد مطالعه را ترسیم کند. بدیهی است که این سیستم معانی در فرآیند تحقیق قوم نگاری کشف می‌شود.

با ترسیم اهداف تحقیقات قوم نگارانه، به نوعی با توصیفی سروکار پیدا می‌کنیم که در پاسخ پرسش «چه هست؟» باید بیاید. این توصیف کاملاً دقیق و با بیان جزئیات خواهد بود تا بتواند تصاویر روشنی از وقایع یا فرهنگها را ارائه نماید. البته این توصیف که از رویکرد تفریدی^۶ و آن هم از بستر طبیعی حاصل می‌شود به نوعی تئوری نیاز دارد که ریشه در مشاهدات تجربی خواهد داشت. بر این اساس تئوری بنیادی^۷ شکل می‌گیرد تا قوم نگاری را قادر سازد که در توسعهٔ مباحث تئوریک مشارکت کند.

با توجه به اهمیت تحقیقات قوم نگاری در مطالعات فرهنگی کشورهای مختلف، بخصوص کشورهای در حال توسعه، آن هم کشور ایران، این مقاله در

صدد معرفی خصیصه و ویژگیهای این گونه تحقیقات و ارزیابی آن از جنبه نظری خواهد بود.

بنیان نظری تحقیق قوم نگاری:

تحقیق، مجموعهٔ فعالیت‌هایی منظم است که در جواب به سؤالاتی که در ذهن محقق ایجاد می‌گردد انجام می‌شود. در هر تحقیق علمی سه عنصر: روش شناسی (پارادایم)، نظریه و روش حضور فعال دارند که ارتباط منظم آنها به نوعی باعث افزایش اعتبار^۸ تحقیق می‌گردد. روش شناسی‌ها که در سه دسته بندی: اثبات گرایی،^۹ تفسیری^{۱۰} و انتقادی^{۱۱} عرضه می‌شوند مبنای روش شناختی تحقیق قوم نگاری قرار می‌گیرند. از آنجا که روش شناسی‌ها بستر شکل‌گیری و گسترش نظریات علمی می‌باشند، بنابراین بر حسب اینکه تحقیق قوم نگاری متأثر از کدام روش شناسی باشد، بر مبنای نظری متأثر از آن روش شناسی، به مسأله یابی و تشریح یا توضیح آن در فرآیند تحقیق علمی می‌پردازد.

تحقیق قوم نگاری درصدد استنباط و استخراج اصول نظری خویش از انسان شناسی است. بر حسب اینکه روشهای تحقیق براساس دیدگاه نظری و نهایتاً روش شناسی تعیین می‌گردند. اصول نظری حاکم بر تحقیق قوم نگاری تداعی کننده نوعی تمایز بین روشها و تکنیک‌های تحقیقاتی قوم نگاری با تحقیقات اجتماعی دیگر می‌باشد. اصول اساسی در انسان شناسی که قوم نگاری متأثر از آنها است و روشها و تکنیک‌های تحقیق قوم نگاری بر مبنای آنها شکل می‌گیرند، به شرح ذیل می‌باشد:

۱- فرهنگ^{۱۲}

قوم نگاری و انسان شناسی بر مفهوم فرهنگ متمرکزند. آنها در صدندند که به یک رشته سؤالات اساسی از جمله «ماهیت فرهنگ چیست؟» «فرهنگ چگونه ارائه، تثبیت، تغییر، منتقل و یا مستحیل می گردد؟» جواب دهند. فرهنگ در این رویکردهای فکری، یک سیستم معانی مشترک بین افراد، گروه، سازمان و یا اجتماع می باشد. این سیستم معانی بر اساس کنش متقابل و از طریق زندگی در زمینه اجتماعی آموخته و نهایتاً منتقل می شود. بر این اساس «انسان شناسی بر درک ساخت و فرآیند فرهنگ از طریق الگوی رفتار، ارزشها، ایستارها و استانداردهائی تأکید دارد که توسط مردم تجربه می کنند.^{۱۳} قوم نگاری با تمرکز بر فرهنگ، معتقد است که سازمانها و اجتماعات، مجموعه ای از فرهنگ های مختلف می باشند. بطور مثال، مدرسه یک سازمان، متشکل از فرهنگ دانش آموزان، معلمان، مدیران، دفترداران و معاونان است که از طریق تجربه و نهایتاً تفسیر از آن تجربه بدست می آورند. دانستیهای فرهنگی بستری است که دیدگاه کنشگران از آن صادر می شود و دیدگاهها، رفتار افراد و گروهها را هدایت می کند و در اصل هسته اصلی مطالعات قوم شناسی را تشکیل می دهد. در کل، مجموعه عقاید و عملیات هماهنگ شده ای که هر فرد در برخورد با موقعیت های مختلف اعمال می کند، دیدگاه او را تشکیل می دهند، به همین لحاظ، دیدگاه گروهی نیز از عقایدی تشکیل شده است که گروه در رویارویی با مسائل اعمال می کند. تحقیقات قوم نگاری، برای توصیف و تفسیر فرهنگ گروهی با سازمانی، در صدد دستیابی به دیدگاه های مسلط سازمان یا گروه است. چنانچه دیدگاه مسلط بر سازمان یا گروه تحت عنوان سیستم معانی مشترک کشف گردد، در واقع یک

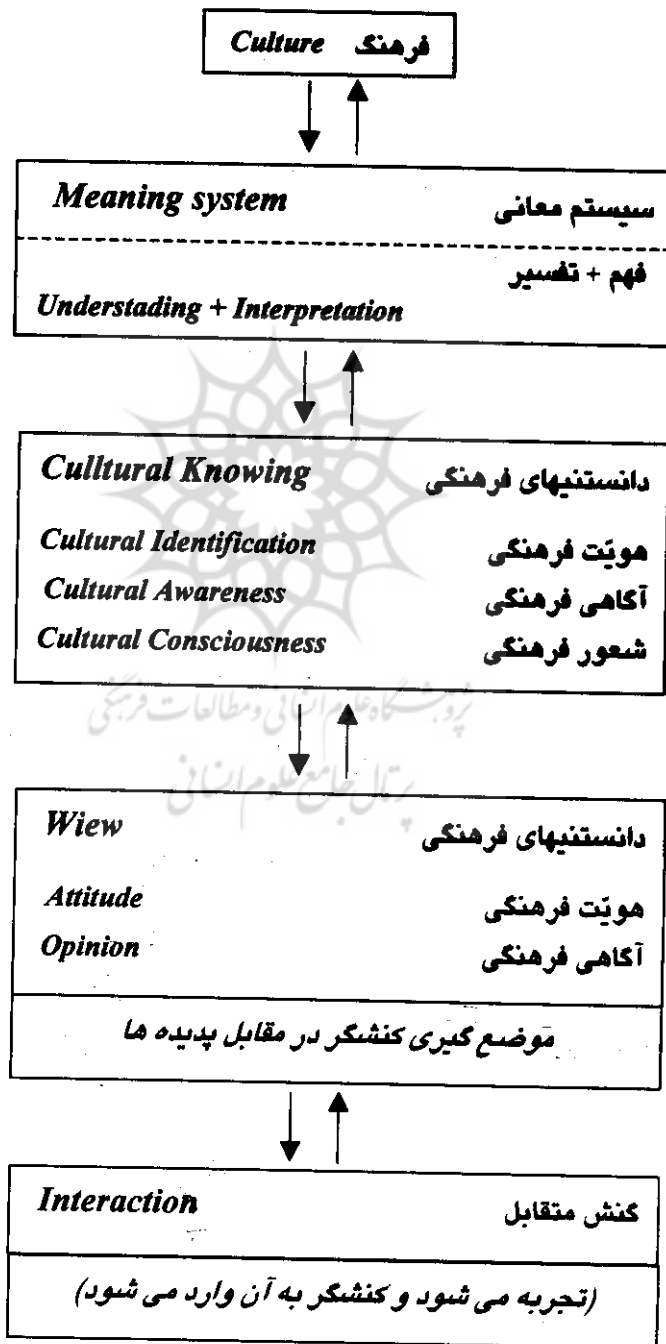
توصیف معتبر و بعضاً عمیق از آن ارائه می‌شود. در واقع «کنشگران گروهی و یا سازمانی در تجربیات با یکدیگر سهیم می‌شوند و درباره آنها به بحث می‌پردازند و بر این اساس، قواعد، اندیشه‌ها و ارزشهایی را در روابطشان می‌پذیرند. آنها برای برخورد با جهانی که با آن رو به رو می‌شوند، شیوه‌هایی طرح می‌کنند. آنها زبانی به وجود می‌آورند که برایشان معنای منحصر به فردی دارد. به طور خلاصه، آنها فرهنگ به وجود می‌آورند.»^{۱۴} در ک روشن تر از فرهنگ در دیدگاه قوم‌نگاری به نمودار شماره ۱ رجوع شود.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

نمودار شماره ۱:

فرهنگ در دیدگاه نظری قوم‌نگاری



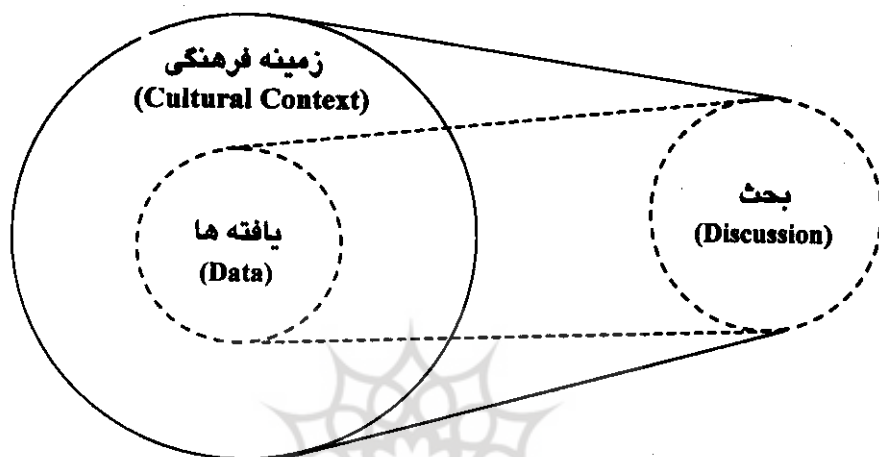
۲- دیدگاه کل گرایانه^{۱۰}

رویکرد مورد استفاده قوم نگاری و انسان شناسی رویکرد جامع و کل گرایانه است. در این رویکرد کنش انسانی در بستر و زمینه‌ای از کل سیستم مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. فلسفه کل گرایانه قوم نگاری، بر این اعتقاد است که کنش رفتار انسانی تجلی امری خاص است که شناسایی آن جز در قالب زمینه کلی سیستم امکان پذیر نیست. در این راستا «کنش‌های فردی ابزارهای معیارهای فرهنگی و اصولی از سیستم اجتماعی - فرهنگی کلان هستند که برای فهم دقیق لازم است در بستر و زمینه کل سیستم قرار گیرند.»^{۱۶}

تحقیق قوم شناسی براساس رویکرد کل گرایانه و جامع، نه تنها بر پایه دیدگاه نظری خاصی قرار ندارد، بلکه اساساً به آزمون نظریه نیز توجه چندانی ندارد. نظریات در تحقیقات قوم نگارانه صرفاً برای تغذیه فکری محقق برای تعمیق بخشیدن به درک او در دریافت چارچوب‌های مفهومی مرسوم در علوم انسانی می‌باشد. بدین لحاظ اظهارات نظری تئوریه‌ها زمانی وارد فرآیند تحقیق می‌شوند که رابطه آنها با پژوهش مورد نظر مشخص شده باشد. در این راستا، تا زمانی که محقق از رابطه بین مفاهیم در عالم واقع آگاه نشده باشد، نتایج به تعویق می‌افتد. نتایج در تحقیق قوم نگاری توصیف جامعیت رفتاری کنشگران در شرایط طبیعی میدان تحقیق است. بدین لحاظ تحقیق قوم نگاری دارای ماهیتی طبیعت گرایانه توأم با جامع نگری است، این دیدگاه، یک شیوه تحقیق در رویکرد پدیدار شناختی است که بر ماهیت ذهنی و رفتار تأکید دارد. در نمودار شماره ۲ دیدگاه کل گرایانه قوم نگاری ترسیم گردیده است.

نمودار شماره ۲:

دیدگاه کل‌گرایانه قوم‌نگاری



۳- مطالعات عمیق^{۱۷}

انسان‌شناسان و قوم‌نگاران، تمرکز بر روی داده‌ها سطحی و یا صرفاً جمع‌آوری از تعداد کمی از مردم علاقه‌مند نیستند، آنها به مطالعات عمیق درباره مردم و یا فرهنگها می‌پردازند. در این راستا از نظر تحقیق قوم‌نگاری، اطلاعاتی سودمند است که از طریق زندگی و یا حضور فعال محقق در جامعه مورد مطالعه او بدست آید. در انجام مطالعه عمیق در میدان تحقیق، نقش فعال مشاهده‌کننده که بصورت آشکار- به عنوان یک محقق یا در چهره مبدل ایفای نقش می‌کند، حائز اهمیت است. مشاهده گرسعی می‌کند تا بدون تعصب، به درک زمینه‌های فکری در واکنش‌های افراد مورد مطالعه بپردازد. در این فرآیند او علاقه‌مند است مطالعه و بررسی کند. بنابراین مشاهده در قوم‌نگاری در جهت فرآیندی جامع و پیوسته خواهد بود که به یک یا دو جلسه محدود نمی‌گردد.

روش شناسی قوم نگاری:

با توجه به حضور فعال سه روش شناسی در تحقیقات علوم انسانی تحت عناوین، «روش شناسی اثبات گرایی»،^{۱۸} «روش شناسی تفسیری»^{۱۹} و «روش شناسی انتقادی»^{۲۰} که نظریه و روش تحت هدایت آنها تعیین می‌شود.^{۲۱} تحقیق قوم نگاری نیز می‌تواند بر اساس هر کدام از این روش شناسی‌ها انجام پذیرد.^{۲۲} چنانچه قوم نگاری بر پایه روش شناسی اثباتی ارائه می‌شود، به کاربرد رویکرد کمی تحقیق، در جهت توصیف پدیده مورد مطالعه اهتمام خواهد داشت. در این روش شناسی سعی بر این است که محقق بتواند با توجه به تکنیک‌های رویکرد کمی تحقیق، به نوعی به توصیف، تبیین و دسته بندی وقایع قادر شود. روش شناسی تفسیری تحقیق قوم نگاری را به سمت فهم و درک پویا از سیستم اجتماعی هدایت می‌کند تا از طریق آن بر چگونگی شکل‌گیری نظام اجتماعی، وقوف یابد. هدف این روش شناسی، توصیف دقیق و عمیق از مورد مطالعه با استفاده از رویکرد کیفی تحقیق می‌باشد.

روش شناسی انتقادی، یکی از بسترهای تحقیقات قوم نگاری در جهت هدایت این گونه تحقیقات براساس پیش فرض‌های اساسی خود مانند اصالت تحول، عدالت و آزادی فعال می‌باشد. از قوم نگاری براساس روش شناسی انتقادی، تحت عنوان «قوم نگاری انتقادی»^{۲۳} یا «قوم شناسی»^{۲۴} یاد می‌شود که امروزه توسط فنیستهای رادیکال مورد استفاده قرار می‌گیرد. این اندیشمندان از طریق قوم نگاری انتقادی، تحقیق فمینیستی را وارد عرصه‌ای از مبارزات سیاسی کرده‌اند که در آن جنسیت در قالب یک فرهنگ کلی مرد سالارانه تعریف می‌شود.

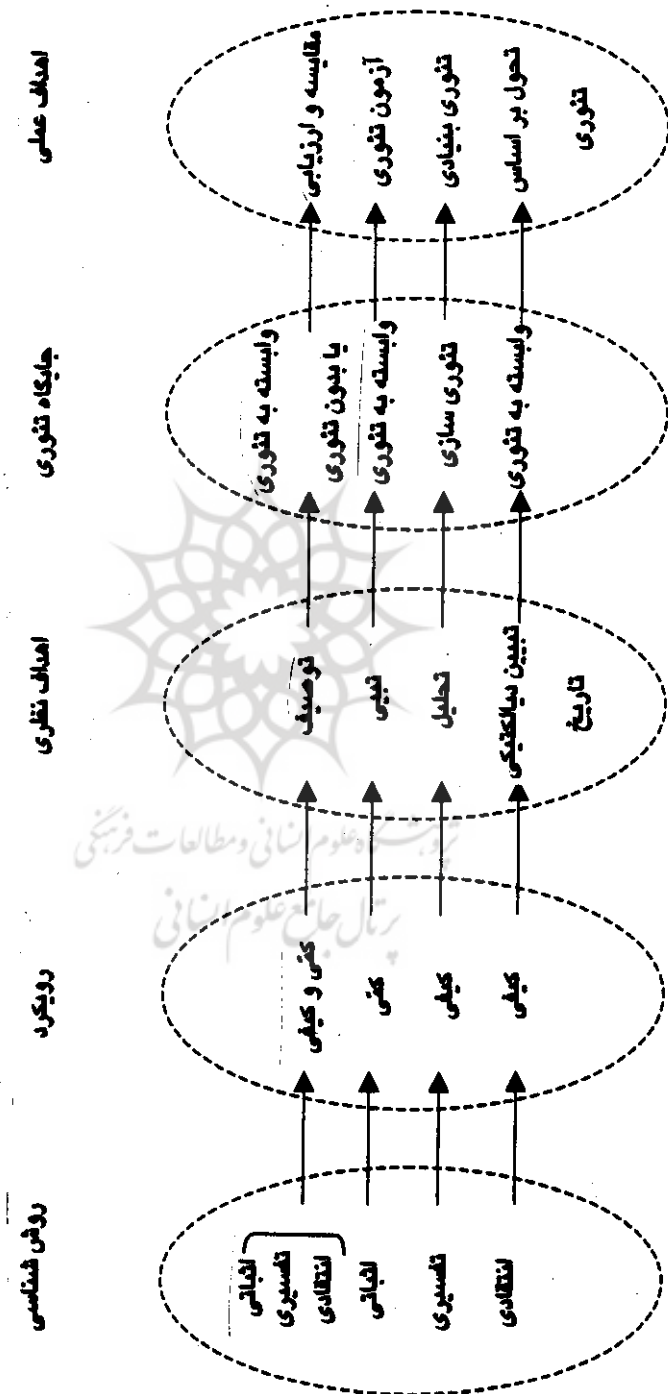
براساس روش شناسی‌ها که بنیان تحقیقات قوم‌نگاری را تشکیل می‌دهند، این‌گونه تحقیقات از رویکرد متفاوت تفریدی^{۲۵} و تعمیمی^{۲۶} پیروی می‌کنند. «عده‌ای از نظریه پردازان، قوم‌نگاری را صرفاً تفریدی می‌دانند. بر این اساس توصیف شرایط خاص، هدف اصلی این شاخهٔ قوم‌نگاری است. در این جا بحثی از تعمیم نمی‌شود، اگر چه اطلاعات می‌توانند بعنوان مبنا مورد استفاده قرار گیرند. رویکرد دیگری در قوم‌نگاری اعتقاد به قانون عام یا تعمیم دارد که در این حالت بحث از تعمیم، مقایسه و تئوری می‌شود.»^{۲۷}

مباحثات در دایرهٔ فکری تفریدی نیز تا حدودی مورد بحث و گفتگو است. عده‌ای معتقدند که اگر قوم‌نگاری صرفاً در حد توصیف بماند و نتواند از یک موقعیت فراتر رود، تحقیقات قوم‌نگاری نمی‌تواند در دنیای معرفت علمی مشارکت فعالی داشته باشد، به عبارت دیگر، قوم‌نگاری نمی‌تواند کمکی در ساخت و ساز معرفت کلی و عمومی از جوامع انسانی داشته باشد. به عقیده این دانشمندان، تحقیقات قوم‌نگاری باید بدنبال توسعهٔ مباحث تئوریکی باشند که بر بنیان مشاهدات جزئی قرار گرفته‌اند. بر این اساس، تئوری بنیادی^{۲۸} شکل می‌گیرد که در واقع مشارکتی فعال در دنیای معرفت علمی خواهد بود.

تحقیق قوم‌نگاری به لحاظ علمی، براساس روش شناسی‌های موجود در علوم انسانی، می‌تواند در طیف وسیعتری که در یک طرف آن ایدهٔ کمی و در طرف دیگر ایدهٔ کیفی حاکم است، انجام پذیرد. «در میانهٔ طیف با عدم تمایز بین ایدهٔ تفریدی و تعمیمی، به توصیفی غنی و فشرده که به نوعی به تعمیم نیز رسیده، اعتقاد دارد.»^{۲۹} در اصل تحقیق قوم‌نگاری با تبعیت از انسان‌شناسی با هدف توصیف شروع گردید ولی در مراحل بعد به مباحث تعمیم و حتی استفاده از تئوری و آزمون آن در واقعیت رسید. هامرسلی معتقد است که «قوم‌نگاری با

هدف تولید و گسترش توصیفات تئوریک،^{۳۰} تحلیلی^{۳۱} و یا فشرده^{۳۲} از جوامع، اجتماعات خرد، سازمانها، مکانهای فضائی و یا دنیای اجتماعی انجام می‌شود. این توصیفات باید نزدیک به واقعیت پدیده‌های خاص باشند و در همان زمان اشکال عمومی از زندگی اجتماعی انسان را آشکار سازند.^{۳۳} در همین حال بعضی از دانشمندان از این هم فراتر می‌روند و معتقدند که «هدف تحقیق قوم‌نگاری باید روشن سازی ابعادی در زندگی اجتماعی انسان براساس تئوری باشد. در این راستا تئوری یا حتی ارزیابی آن در تحلیل رویدادهای زندگی واقعی انسان از مقاصد اساسی قوم‌نگاری بحساب می‌آید.^{۳۴} جهت درک سازمان یافته از اهداف روش شناختی قوم‌نگاری به نمودار شماره ۳ رجوع کنید.

اهداف روش شناختی تحقیق قوم نگاری



تحقیق قوم نگار



فرآیند تحقیق قوم نگاری:

فرآیند تحقیق در قوم نگاری براساس طرح تحقیق صورت می‌پذیرد که در آن برای دستیابی به معرفت علمی مراحل پیشنهاد^{۳۵} می‌شوند. طرح تحقیق قوم نگاری که عناصر اساسی تحقیق در مراحل حل مسأله را در خود دارد، به منزله یک برنامه یا نقشه عمل در خدمت محقق قرار می‌گیرد. در طرح تحقیق قوم نگاری محدودیت دامنه مطالعه، اتصال روش با تئوری و شیوه‌های جمع‌آوری اطلاعات بصورت روشن بیان می‌شود. مشخصه طرح تحقیق قوم نگاری انجام تحقیق در میدان یا، تحقیق میدانی^{۳۶} است. ویژگیهای تحقیق میدانی، طرح تحقیقاتی همه قوم نگاری‌ها را هدایت می‌کند. تحقیق میدانی، ماهیتی اکتشافی^{۳۷} دارد و به همین لحاظ قوم نگاران علاقه‌مند هستند که با پیمایشی شروع کنند که در ضمن آن، موارد اساسی مانند، زبان مورد مطالعه، اتصالات خویشاوندی در بین آنها، اطلاعات سرشماری، داده‌های تاریخی و ساخت فرهنگ میدان تحقیق را بخوبی فراگیرند. مراحل تحقیق در قوم نگاری تا حدود از مراحل تثبیت شده در بررسی‌های اجتماعی آماری متفاوت است. یکی از ویژگیهای خاص فرآیند تحقیق در قوم نگاری، انعطاف پذیری و ترکیب پذیری آن در به کارگیری همزمان روش‌های مختلف تحقیق است. اگر چه در این نوع تحقیق نیز از مسأله تحقیقاتی آغاز می‌شود و نهایتاً با استخراج و ارائه نتایج توأم با بحث علمی خاتمه می‌یابد ولی ترکیب مراحل تحقیق در صورت نیاز و حرکات بازگشتی محقق به اول و ادامه مطالعه پس از آن به فرایند تحقیق قوم نگاری جلوه خاصی داده است. بطور مثال، در تحقیق قوم نگاری بر خلاف تدوین فرضیه قبل از جمع‌آوری اطلاعات، می‌توان آن را هنگام انجام فعالیت طراحی نمود یا اینکه «اگر چه ممکن است قوم نگار فرضیات خاصی جهت

آزمون در میدان تحقیق در اختیار داشته باشد ولی جمع آوری اطلاعات کاملاً استقرایی انجام می شوند.^{۳۸} در فرایند تحقیق قوم نگاری اگر چه برخی فعالیت‌ها با یکدیگر تداخل دارند و همزمان انجام می شوند. ولی نقطه آغاز و پایان تحقیق مشخص است. شکل ذیل^{۳۹} می تواند تا حدودی این فرآیند را مشخص سازد.



شکل ۱: فعالیت‌های ضروری در فرآیند تحقیق قوم شناسی

قوم نگاران در اولین مراحل از فرآیند تحقیق، به گزینش موضوع و گروه مورد بررسی اقدام می کنند. این گزینش معمولاً براساس علایق علمی و تجربیات شخصی آنان انجام می گیرد که مسلماً آنچه به آن شکل علمی و اجرایی می دهد،

شخصی آنان انجام می‌گیرد که مسلماً آنچه به آن شکل علمی و اجرایی می‌دهد، تأثیر و تأثر فرضهای نظری، علایق محقق، روش‌های تحقیق و نهایتاً محدودیتهای مورد مطالعه در میدان تحقیق خواهد بود. در این راستا می‌توان با یوسک (۱۹۷۹) هم رأی بود که «امتیاز مشاهده گر بودن (در تحقیق قوم‌نگاری) هدیه‌ای است که میزبان و موضوعهای مورد بررسی مشاهده‌گر به او می‌دهند.»^۴

پس از تعیین موضوع و دسترسی به گروه مورد مطالعه، مراحل واقعی تحقیق آغاز می‌شود. در این مرحله فعالیت‌های گسترده‌ی منظم، برای حضور فعال و بدون تعصب محقق انجام می‌شود. محقق با استفاده از تجربیات علمی سعی دارد تا به موازات عضویت در گروه، فاصله خود را نیز حفظ کند. محقق نه تنها کنش‌ها و رفتارهای گروه را منعکس می‌کند بلکه از طریق انتقاد از خود و یادآوری موقعیت خود در گروه، مراقب رفتار خویش می‌باشد. البته این حرکات نظری و اجرایی به هیچ وجه نباید به جلب توجه مورد مطالعه منجر شود تا شرایط طبیعی را برای ارائه کنش‌های افراد گروه مخدوش سازد. در این مرحله به تدریج فعالیت تحقیقاتی محقق تشدید می‌گردد تا از همه جهات، اطلاعات توصیفی فشرده و عمیق برای اکتشاف بستر و زمینه بروز کنش‌ها جمع‌آوری شود. به موازات پیشرفت تحقیق، اندیشه‌های محقق نیز روشتر می‌شود که این امر به چگونگی ارتباط فعال محقق با افراد مورد مطالعه و حتی نخبگان آنها کمک بسزائی می‌کند. در این فرآیند رو به جلو، شکل‌گیری سؤالات جدید یا فرضیاتی احتمال وقوع دارند که محقق از آنها برای کسب اطلاعات زیاده‌تر استفاده لازم می‌برد.

در آخرین مرحله تحقیق، محقق در وضعیتی قرار می‌گیرد که بتواند چارچوب‌های مفهومی، سؤالات و فرضیات تحقیق (در صورت موجود بودن) را

براساس واقعیت مورد مطالعه به آزمون کشد و الگوهای رفتاری را تشخیص دهد. در این مرحله، گزارش توصیفی محقق از حالت سطحی فراتر می‌رود و شکلی عمیق‌تر و فشرده‌تر پیدا می‌کند. مسلماً در این مرحله، رعایت دقیق اصول اخلاقی در ارائه گزارش تحقیق می‌تواند اعتبار آن را به صورت جدی افزایش دهد. اعتبار تحقیق قوم نگاری بر این اصل اساسی، استوار است که آزمودنیها، افراد یا گروه مورد مطالعه؛ تا چه حد گزارش تحقیق را به عنوان شرح راستین شیوه زندگی خود می‌پذیرند.

مزایا و معایب تحقیقات قوم نگاری:

قوم نگاری براساس روش شناسی علمی، با هدف توصیف عمیق و فشرده از موضوعات مورد مطالعه، برای یافتن جواب دقیق به سؤال چه هست؟ محقق می‌شود. در این راستا می‌توان براساس ماهیت این تحقیق به مزایا و معایب آن توجه جدی نمود تا این روش علمی تحقیق بر اساس ارزیابی این موارد مورد استفاده قرار گیرد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

الف- مزایای تحقیق قوم نگاری

۱- مشاهده مستقیم^۱

مشاهده مستقیم به عنوان تکنیک غالب در جمع‌آوری اطلاعات مربوط به تحقیقات قوم نگاری، باعث می‌شود که به جای اتکا بر اطلاعات دست دوم به مجموعه یافته‌های بدست آمده از مورد مطالعه در میدان تحقیق - که از اعتبار بالایی برخوردار است - تمرکز شود.

۲- تجربی^{۴۲}

قوم نگاری براساس ارتباط مستقیم با مردم و حضور فعال محقق در مناطق مورد مطالعه از پایه تجربی نسبتاً قوی برخوردار است.

۳- اتصال با تئوری^{۴۳}

قوم نگاری می‌تواند با هدف توسعه تئوری که همان بستر سازی برای شکل‌گیری تئوری بنیادی است و یا حتی آزمون تئوری در میدان تحقیق اجرا شود.

۴- اطلاعات جزئی شده^{۴۴}

در فرآیند تحقیق قوم نگاری، اطلاعاتی ارائه می‌شود که به لحاظ جزئی و عمیق بودن بسیار غنی می‌باشند. این اطلاعات واقعیات پیچیده و بغرنج را بصورت دقیق منعکس می‌سازند.

۵- جامع نگر^{۴۵}

قوم نگاری درصدد ارائه تبیینی جامع و کل گرایانه از وقایع است. این نوع تحقیق بر روابطی متمرکز است که در زیر سطح ظاهر پنهان شده‌اند. برای دستیابی به این مقصود، وقایع یا پدیده‌های مورد مطالعه به جای انترزا و جداسازی، در زمینه^{۴۶} اصلی مورد مطالعه و تحقیق قرار می‌گیرند.

۶- ادراک کنشگران^{۴۷}

تحقیق قوم نگاری به عنوان تحقیق مناسب، برای دستیابی به طرقی است که دیدن وقایع را برای اعضای یک فرهنگ، میسر سازد. به عبارتی، همه چیز از زاویه دید کنشگر مطالعه می‌شود. با توجه به این خصوصیات که بیسانگر قابلیت

تحقیق قوم نگاری است، می‌توان به اداراک و ترسیم سیستم معانی کنشگران دست یافت.

۷- اعتبار اکولوژیکی

قوم نگاری در اعتبار اکولوژیکی بسیار قوی است. بدین معنا که این تحقیق شدت بر تثبیت و نگهداری شرایطی طبیعی در تحقیق تأکید دارد. به همین منظور، برای محقق دستورالعمل‌هایی صادر می‌شود که با رعایت آنها و بخصوص با توجه و تأکید بر اخلاق علمی و بدون تعصب ورزی و پیش داوری شرایط طبیعی محفوظ مانده و اعتبار اکولوژیکی تحقیق افزایش می‌یابد.

۸- دید انسان گرایانه^{۴۸}

تحقیق قوم نگاری اساساً با تمایلات انسان گرایانه انجام می‌شود. به عبارت دیگر، هدف این تحقیق شناسایی، ماهیت فرهنگی است که مردم آن را تجربه و در آن زندگی می‌کنند. در اینجا، بحث از دستیابی به معنای ذهنی انسانها در فرهنگ خاصی است که صرفاً در ارتباط بین ذهنی محقق و مورد مطالعه بدست می‌آید. بنابراین، ارتباط تحقیقاتی محقق صرفاً با موازین انسانی و رعایت همه ویژگیهای فرهنگی افراد مورد مطالعه امکان پذیر است.

ب- معایب قوم نگاری

۱- فشار در رویکرد تحقیق

فشار^{۴۹} موجود در رویکرد تحقیق قوم نگاری، ناشی از دو اصل طبیعت گرایی^{۵۰} و انعطاف پذیری^{۵۱} آن است. محقق مرتباً درگیر آشتی دادن این دو عنصر متضاد است. از یک طرف به طور واقعی، تحقیق، درصدد یک توصیف

کامل و جزئی از پدیده یا فرهنگ، به صورت کاملاً طبیعی است و از طرف دیگر چون انعطاف پذیری تحت تأثیر ناگزیر شخص محقق در کل تحقیق است، یک وضعیت متناقض را برای تحقیق به وجود می‌آید. به همین منظور، تمامی سعی محقق معطوف بر تعدیل این فشارها برای بهینه کردن انعکاس واقعیت است که مسلماً تا حدی موجب خطا در تحقیق می‌شود.

۲- توصیف^{۵۲}

اگر چه قوم نگاری می‌تواند یک تصویر روشن و دقیق از واقعیت مورد مطالعه را منعکس سازد ولی به هر صورت، باقی ماندن بر این امر، به معنای ضعف در ترسیم ساختار نظام اجتماعی است به نحوی که اجزای مورد مطالعه در یک ارتباط منظم به تحلیل تئوریک ساختار پردازند. برای حل این مشکل لازم است که این تحقیق به نحوی به تئوری فعلی^{۵۳} گردد. در این صورت، علاوه بر نگهداری خصیصه توصیفی تحقیق، می‌توان به آن جنبه تحلیلی^{۵۴} و انتقادی^{۵۵} داد.

۳- پایایی^{۵۶}

قوم نگاری با ضعف در پایایی و تعمیم حداقل دریافته‌های خویش رو به روست. به هر حال، از دید منتقدان قوم نگاری، تکرار این نوع تحقیق برای بازسنجی توصیف‌ها و نتیجه‌گیریهای آن، هیچ راهی وجود ندارد. به همین لحاظ، داوری در این باره که آیا محیط اجتماعی یا مردم مورد مطالعه، نمونه یا بازنمای جامعه بزرگتری هستند، امکان پذیر نیست.

۴- اخلاق تحقیق^{۵۷}

رعایت اخلاق تحقیق در قوم‌نگاری بیش از تحقیقات دیگر، مورد تأکید قرار گرفته است به همین لحاظ، انجام دقیق تحقیق را با مشکل روبه‌رو ساخته است. مسلماً آگاهی محقق بر تعصبات خود و جلوگیری از ورود آن به تحقیق و رعایت حریم خصوصی مشاهده‌شونده‌ها امری دشوار در تحقیق قوم‌نگاری به شمار می‌آید.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

نتیجه گیری:

قوم نگاری، بعنوان یکی از رویکردهای تحقیقاتی در علوم انسانی با تمرکز بر شناخت دقیق از فرهنگ جامعه مورد مطالعه، توجه انسان شناسان و اخیراً جامعه شناسان را بخود جلب نموده است. هدف قوم نگاری ارائه توصیفی دقیق و عمیق است که با جهان بینی افراد مشارکت کننده در محیط اجتماعی مورد مطالعه انطباق داشته باشد. در این راستا، کنش اجتماعی مردم به نحوی ترسیم می شود که برای آنها قابل فهم بوده و مورد تأیید قرار گیرد. برای دستیابی به این امر مهم، فرآیند تحقیق قوم نگاری و نقش فعال محقق در آن براساس یک رشته اصول و معیارهایی انجام می شود که گزارش تحقیق از اهمیت اعتبار بالایی برخوردار سازد. قوم نگاری بر اساس روش شناسی های غالب در علوم انسانی (اثباتی، تفسیری و انتقادی) اگرچه سابقه دیرین در انسان شناسی دارد ولی اخیراً به عنوان یک شیوه خاص تحلیل در چگونگی اداراک شیوه زندگی مردم، جایگاه ویژه ای در جامعه شناسی پیدا نموده است. تأکید اساسی این تحقیق بر کشف و ارائه معانی و برداشت هایی است که انسانها از زندگی روزمره خودشان دارند، قوم نگاری، بر این فرض اساسی استوار است که سامان یافتگی زندگی اجتماعی مردم، نتیجه اطاعت از هنجارها و فشارهای اجتماعی نیست، بلکه خود مردم طی مشارکت در زندگی اجتماعی و کنش متقابل با یکدیگر این سازماندهی را ایجاد می کنند. به عبارت دیگر، مردم، جهان را به گونه ای درک می کنند که گویی این جهان آنها را هدایت می کند. پس آنچه مهم است توصیفی دقیق از فهم کنشگران و تفسیری است که آنها بر رویدادهای اجتماعی ضمیمه می کنند، که این امر بیانگر نحوه تلقی و موضع گیری آنان در قبال پدیده های اجتماعی است.

تحقیق قوم‌نگاری با فعال نمودن نقش محقق در میدان تحقیق اساساً در صدد بکارگیری شیوه‌های تحقیق میدانی، برای گردآوری اطلاعات و نهایتاً ساماندهی آنها بر اساس رویکرد استقرایی است. اگر چه مباحث عدیده‌ای در باره خصیصه تفریدی یا تعمیمی بودن قوم‌نگاری وجود دارد ولی به هر حال هویت نظری آن در پرتوی روش‌شناسی مورد استفاده محقق، تعیین می‌شود. قوم‌نگاری متکی بر اثبات گرائی به نوعی با توصیف پدیده و یا بکارگیری توصیف توأم با تئوری تحقق می‌یابد. در روش تفسیری با ایده تفریدی به توصیف عمیق و نهایتاً ارائه تئوری بنیادی می‌پردازد. در روش انتقادی نیز به تفرید و تعمیم در ترسیم یافته‌های تحقیقاتی قوم‌نگاری تأکید می‌شود.

قوم‌نگاری یک روش علمی در تحقیقات، دارای نقاط قوتی مانند مشاهده مستقیم، تجربی بودن، اتصال با تئوری و ... و نقاط ضعفی مانند تعارض با طبیعت‌گرایی و انعطاف‌پذیری، توصیف، ضعف پایایی و ... می‌باشد. محقق با آگاهی به این نقاط قوت و ضعف، برای مشارکت در توسعه معرفت علمی در انسان‌شناسی و جامعه‌شناسی این تحقیق را بر می‌گزیند.

یادداشت‌ها

- 1- Ethnography Research.
- 2- Validity
- 3- Field Reseaerch.
- 4- Qualitative Research
- 5- Meaning System.
- 6- Ideographic.
- 7- Grounded Theory
- 8- Validity
- 9- Positivism
- 10- Interpretive
- 11- Critical.
- 12- Culture
- 13- Peoples, J and Bailey, G. 1988.
- 14- جونل، شارون. ۱۳۷۹.
- 15- Holistic Perspective.
- 16- Sarantakas, S 1993, P: 265.
- 17- In- Depth Studies.
- 18- Positivism Methodology.
- 19- Interpretive Methodology.
- 20- Critical Methodology.
- 21- ایمان، محمد تقی، ۱۳۷۶.
- 22- Sarantakos, S, 1993.
- 23- Critical Ethnography.
- 24- Ethnology.

- 25- Ideographic.
- 26- Nomothetic.
- 27- Woods, P: 598.
- 28- Grouded Theory.
- 29-Woods, P 1979, P: 268.
- 30- Theoretical.
- 31- Analytical
- 32- Thick.
- 33-Hammersley, M. 1990, P:597-615.
- 34- Porter, S. 1993.P:591-601.
- 35- Pelto, P.j. 1970, P: 331.
- 36-Feildwork.
- 37- Exploratory.
- 38-Brim, J.A. and Spain, D.H. 1974.

۳۹- دلاور، علی. ۱۳۷۴، ص. ۲۴۵.

۴۰- مک نیل، پاتریک. ۱۳۷۶، ص. ۸۸.

- 41-Direct Observation.
- 42- Empirical.
- 43- Links with Theory.
- 44- Deteniled Data.
- 45- Holistic.
- 46-Context.
- 47- Actors Perceptions.
- 48- Humanistic Perspective.
- 49- Tension Within the Research Approach.
- 50- Naturalism.
- 51- Reflexivity.
- 52- Description.
- 53- Theory- Dependent.
- 54- Analytical.

- 55- Critical.
- 56- Reliability.
- 57- Research Ethic.



شپوشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی